

ادبیات تطبیقی

از:
جمشید بهنام

از همین نویسنده :

- ۱- « چند داستان از آلفونس دوده »
- ۲- « کالیکولا » اثر « آلبر کامو » (ترجمه با اتفاق خسرو رضائی)
- ۳- « دریاکنار » مجموعه داستان (زیر چاپ)

بها ده ریال

۳۵۲

نقد بدست گردانی

تهیه
۱۳۱۷

اسکن شد

ادبیات تطبیقی

از:

جمشید بهنام

٢٥٧



فصل في...

مقدمه

گاه بر آن میشوید تا کتابهایی را که انتخاب کرده و خوانده‌اید با یکدیگر مقایسه کنید. مثلاً درباره شباهت دو صحنه از دو کتاب میان‌بیشید و مایلید دریابید که چرا سبک يك نویسنده شما را خسته میکند و از آن دیگری شما را خوش می‌آید؟ در همان وقتی که باین تجزیه و تحلیل‌ها سرگرمید حس کنجکاری تازه ای در شما پیدا میشود: ماخذ این کتابها چیست؟ برای چه نوشته شده‌اند و از روزگار پیدایش تا کنون چه سرگذشتی داشته‌اند؟ این نویسنده‌ای که مورد علاقه شماست چه صفات و مشخصاتی دارد؟ آثار او بسیارست و یا تنها با پدید آوردن يك شاهکار شناخته شده است؟ نبوغ او تحت تأثیر چه شرایطی ظهور کرده بسوی کمال رفته است؟ با معاصرین خود چه ارتباطی داشته، وضع اجتماعی دوره او چگونه بوده است؟ آنگاه میکوشید تا باین مطالعات و تحقیقات در هم خود سروصورتی بدهید، آنها را دسته‌بندی کنید، نتیجه بگیرید و درباره يك نویسنده، يك مکتب ادبی و بالاخره ادبیات يك ملت نظری کلی و قانع کننده بدست آورید. بعدها اگر بار دیگر کتابی را که در اول کار با بی‌حوصلگی و بدون توجه خوانده بودید مطالعه کنید نکات تازه‌تر و دقیقتری درك خواهید کرد و از میان سطور کتاب مردی را که بوجود آورنده آن بوده بهتر خواهید شناخت و در پیرامون وی با محیط و دوره‌ای که در آن میزیسته و سرانجام با سنی که پیروی میکرده آشنا خواهید شد.



بیگمان يك اثر هنری ندرتاً مجرد و بی‌تأثیر میباشد. يك کتاب هم مانند يك پرده نقاشی، يك مجسمه و يك آهنگ موسیقی همچنان که از آثار گذشتگان متأثر شده در آثار آیندگان موثر میافتد.

ادبیات هر ملت و قومی در ملل اقوام دیگر تأثیر کرده است و چنانچه ادبیات يك ملت را با ادبیات ملل دیگر مقایسه کنیم بتأثیرات بسیار پر-

میخوریم. کلیه آثار منظوم و قسمتی عظیم از نثر فرانسه در دوره رنسانس و دو قرن بعد از آن ملهم از ادبیات کهن یونانی و لاتین است، همچنانکه بسیاری از اشعار فارسی متأثر از ادبیات عرب میباشد همچنانکه دیدرو، ولتر، ژان ژاک روسو، منتسکیو با ادبیات انگلیس بسیار مدیونند.

مورخ ادبیات هنگامیکه با این تأثیرات برخورد کرد کارش بدشواری میکشد. در این تأثیرات دو وجه مشخص وجود دارد: اول مرحله تقلید از ادبیات کهن یونان، لاتین و عبری و الهام گرفتن از کتب مقدس. دوم تصادم ادبیات جدید ملل با یکدیگر. در اینجا وسیله ای لازم است که بتوان با آن نتایج حاصله از تحقیق در ادبیات ملل مختلف را جمع آوری کرد، طبقه بندی نمود، سنجید، و در عین حال از آشنا کردن آنها با یکدیگر تا روپود يك ادبیات وسیعتر و عمومی تری را فراهم آورد. این وسیله سالها است که وجود دارد و علمای بسیاری در آن کار کرده اند و آن: « ادبیات تطبیقی » است (۱)

هرچند که پیش از نیم قرن نیست که از ادبیات تطبیقی بعنوان يك علم مستقل نام برده میشود اما این دانش اُز دیر باز وجود داشته است و بر اثر همین افکار بود که گوته از « ادبیات جهانی » (۲) سخن بیان آورد. گوته می گفت: « هر ادبیاتی محتاج توجه با ادبیات ملل دیگر است » و چون این احتیاج توجه با ادبیات ملل دیگر در دوره رمانتیسم بسیار احساسی شد بنابراین بی دلیل نیست که زمان شروع تحقیقات در ادبیات تطبیقی را نیز همین دوره بدانیم. این اصطلاح نخست از ظرف « سنت بو » (۳) عنوان شد. ادبیات قرون وسطی به ملت مذهب مشترك (مسیحیت) و زبان علمی و ادبی مشترك (لاتین) در کشورهای اروپا، نزدیکی های بسیار دارد، اندیشه ها و روشهای نویسنده گی مشابهی نویسندگان دوره رنسانس را یکدیگر پیوند میدهد. و ادبیات قرن هجدهم نیز تحت تأثیر فلاسفه و نویسندگان فرانسه وضع یکنواختی دارد. اما با ظهور رمانتیسم برای نخستین بار احتیاجی با ایجاد روابط بیشتری بین ادبیات ملل حس شد و به همین علت نیز در پایان این قرن روشهای علمی برای اینگونه تحقیقات بوجود آمد. کتاب یکنفر انگلیسی بنام « پوسنه (۴) » (۱۸۸۶) اولین اثر مهم

۱- Littérature Comparée

۲- Weltliterature

۳- Sainte Beuve

۴- M. H. Posnett

درباره ادبیات تطبیقی بود و در همان سال « ادوارد رود » (۱) درس « تاریخ تطبیقی ادبیات ملل » را در ژنو آغاز کرد . این کوشش ها خصوصاً پس از پدیدار شدن متقدین و مورخین مشهور در قرن نوزدهم و تألیف و تدوین تواریخ ادبی ملل سروصورتی بخود گرفت و میان سالهای ۱۸۸۶ و ۱۹۲۰ این دانش دوره تکوین خود را پیمود و از سال ۱۹۲۱ « پل هازارد » (۲) شروع با انتشار « مجله ادبیات تطبیقی » و مجموعه منظم بآن نمود . تا اینکه امروز این علم در دانشگاههای دنیا تدریس میشود . تشکیلات بین المللی نیز با ادبیات تطبیقی و مطالعه دربارهٔ ایجاد يك ادبیات عمومی کمک کرده است . در ۱۸۹۴ شخصی بنام « بازالوت » (۳) يك مؤسسه بین المللی هنری و ادبی ایجاد کرد و اینکار او توسط گروه عظیمی از دانشمندان دنبال شد و در کنفرانس های بین المللی نویسندگان (۱۹۳۴ مسکو ۱۹۳۵ پاریس) نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفت .



ادبیات تطبیقی عبارتست از تاریخ روابط ادبی بین المللی و وظیفه محقق ادبیات تطبیقی مطالعه آثار ادبی ملل از لحاظ روابطی است که میان آنها وجود دارد و نظارت بر تبادل مضامین ، اندیشه ها و احساسات میان دو یا چند ادبیات . اگر با نظر وسیعتری بنگریم دامنهٔ این تحقیقات در شرق عبارتست از مطالعه روابط ادبیات سانسکریت و اوستائی و ادبیات ایران و عرب ، ادبیات . چینی و... و در غرب مشتمل خواهد بود بر مطالعه روابط میان ادبیات یونان و لاتن و تاثرات جدید از ادبیات کهن ، تاثرات متقابل ادبیات شرق و غرب و بالاخره روابط ادبیات جدید و معاصر ملل که مبحث اخیر از مسائل دیگر وسیعتر و پیچیده تر است .

نخست باید دانست که در يك عصر معین حدود يك ادبیات چیست ؟ و آن مرزی که در ماوراء آن بتوان از ادبیات بیگانه سخن گفت کدامست ؟ البته با در نظر گرفتن مرزهای سیاسی و جغرافیائی جواب آسان خواهد بود اما چه بسا که زبان و فرهنگ يك کشور در آنسوی مرزها و حتی در سرزمینهای دوردست متداول است . باید این نوع آثار را متعلق با ادبیات چه کشوری دانست ؟ آلمانها قسمتی از ادبیات سوئیس و اطریش را جزء ادبیات آلمانی میشمارند و فرانسویها بعلل عدیده و قابل قبول آثار ژان ژاک

-
- ۱- Edouard Rod ۲- Paul Hazard
۳- Bazalgette

روسو (متولد ژنو) و ورهارن (بلژیکی) را جزء ادبیات فرانسه محسوب میدارند، همچنانکه آثار محمد اقبال لاهوری و شعرای فارسی زبان افغانی و تاجیکی بخشی از ادبیات فارسی را تشکیل میدهد.

بعد از تعیین حدود باید آنچه را که از این مرزها گذشته و در آنسوی مؤثر واقع شده است مطالعه کرد و برای اینکار گذشته از اطلاعات ادبی بین‌المللی و دانستن چند زبان باید از موضوعات دیگری نیز آگاه بود: در فلان زمان و در فلان ملل روابط سیاسی، مذهبی، اقتصادی و هنری چه صورتی داشته است؟ وسایل عمده این ارتباط چه چیزها بوده است؟ نویسندگان، منتقدین و مردم چه آگاهی‌هایی درباره زبان، آداب و رسوم و ادبیات قدیم و جدید ملل دیگر داشته‌اند؟ یکی از مشخصات ادبیات تطبیقی ارزشی است که برای نویسندگان و شعرای درجه دوم و سوم قائل است؛ به نویسندگانی که تواریخ ادبی آنان را فراموش کرده‌اند و با سهل‌انگاری از ایشان گذشته‌اند. همواره دو وسیله برای شناختن کشورهای خارجی و ادبیات آنها وجود دارد: کتابها و اشخاص، و ادبیات تطبیقی نیز از هر دو وسیله استفاده میکند:

- ۱- کتابها : آثار هر نویسنده‌ای و کتابهایی که دیگران درباره این آثار نوشته‌اند نخستین مصالح کار هستند و سپس نوبت کتابهای مربوط به تاریخ، جغرافیا، سفرنامه‌ها، فرهنگهای گوناگون و تحقیقات زبانشناسی میرسد. و تا حد امکان باید این کتابها در متن اصیل خود مورد مطالعه قرار گیرند و نباید بترجمه‌هایی که از این کتب شده است زیاد مطمئن بود.
- ۲- اشخاص : تنها نباید بمطالعه کتابها قناعت کرد البته بعضی از آثار انعکاسی از یک عقیده مشترک و عمومی است ولی برای تحقیق درباره کتاب « نامه‌های انگلیسی » ولتر نمیتوان چگونگی زندگی ولتر را در انگلستان و اطلاعات وی را درباره زبان، مردم، و آداب این کشور نادیده انگاشت در این مرحله محقق ادبیات تطبیقی یک نفر بنیوگراف میشود و همچنین بر اوست که از امانت مترجم، هوش و اطلاعات متقد و حقیقت‌گویی نویسنده سفر نامه معلمش شود. بنابراین محقق ادبیات تطبیقی باید : اطلاعات ادبی، زبانشناسی، تاریخی و... مفصل داشته باشد، زبان‌های گوناگون را بخوبی بداند و مخصوصاً باید از روش مراجعه بمنابع لازم

آگاه باشد (۱)

چون یکنفر نمیتواند کلیه مشخصاتی را که در بالا از آن یاد شد داشته باشد لذا موضوع تقسیم کار پیش میآید مثلاً جمعی از محققین تنها بمطالعه روابط ادبی انگلیس و فرانسه و یا ... میپردازند یا مثلاً بتحقیق درباره ادبیات دوره رنسانس یا قرن هجدهم و یا ... مشغول میشوند . گاهی تحقیق در ادبیات تطبیقی منحصر میشود با گاهی از تأثیرات و این تأثیرات عبارتند از «انواع ادبی و سبکها» «مضامین، تیپها، افسانهها» و «افکار واحسات» و گاهی برعکس هدف تحقیق طرز پیدایش و سرنوشت یک اثر ادبی است و در اینصورت باید «منابع» آن اثر را جستجو کرد و سپس سرگذشت آنرا در زمان و مکان دنبال نمود . و ماینک در چند مبحث روش کار در ادبیات تطبیقی را نشان میدهم .

۱- مراجع مهم عبارتست از : تاریخ ادبیات ملل ، فهرست آثار ادبی ، تذکره ها ، تراجم احوال ، فهرستهای مخصوص ادبیات تطبیقی که مرتباً تعداد آنها در زبانهای اروپائی رو با افزایش است . و خصوصاً منابع زیر :

«Revue de littérature comparée», de la «Revue universitaire», des «Publications of the Moderne Language Association».

انواع ادبی

هنگامی که قصد شناساندن و معرفی کسی را دارید ابتدا از قیافه او شروع کرده و سپس بصفات و اخلاق و افکار او میپردازید. یک کتاب نیز مانند یک انسان است؛ پیش از مطالعه محتویات آن باید نوع و شکل برونی آنرا در نظر گرفت.

بنابراین محقق ادبیات تطبیقی ناگزیر است که نوع خاصی را که نویسنده برگزیده است مطالعه کرده معلوم سازد که آیا نویسنده در این نوع ادبی تجدید نظر کرده و بآن تازگی هم بخشیده است؟ و در صورت امکان علل ناخود آگاه این تازگی را نیز نشان دهد. نباید گمان کرد که نوع اهمیت زیادی ندارد چه همین نوع همین قالب و همین طرز بیان افکار در تهییج احساسات سخت مؤثر است. برای کسانی که تنها با ادبیات معاصر سر و کار دارند شمارش انواع ادبی جز رژه اشباح چیز دیگری نیست ولی این دلیل نمیشود که محقق ادبیات تطبیقی نیز از آن چشم ببوشد او باید مطالعه کند و بیند فلان نویسنده ذکر نوع اقتباسی خود چه تغییراتی داده تا آنرا برای بیان افکار و احساسات خود مساعد کرده است؟ انتخاب این نوع چه رابطه‌ای با شخصیت او داشته است؟

در طی تاریخ و خصوصاً بعد از رنسانس نزاعهایی میان این انواع ارثی و «نجیب» و انواع فردی و ابتکاری وجود داشته است. (۱) و همین موضوع برای کسانی چون مولیر، کرنی و لافونتین اشکالات بسیار فراهم آورده است.

بزرگها نیز مانند کودکان افسانه‌ها را دوست دارند و انواع ادبی نیز از این تمایل سرچشمه می‌گیرد. همانگونه که رودها اندک اندک دره‌ها را شکافته و بستر خود را هموار کرده اند همان گونه نیز انواع ادبی در طی قرون عملاً بوجود آمده‌اند و آنگاه در گذشت زمان این انواع تغییر شکل

داده صورت خارجی و ساختمان درونی آنها بسوی کمال رفته است. همان نوع «حماسی» است که رمان از آن زائیده شده و نوع «غنایی» است که ما در منظومه ای جدید بشمار میرود همچنین است در مورد تاریخ و کمدی و تراژدی، و هجو و مدح و غیر آن، که دوائر تمایلات طبیعی مردم بوجود آمده، تغییر شکل داده کامل شده است.

اهمیت انواع نثر هیچگاه بیای ارزش انواع نظم

انواع نثر

نرسیده است و برخی از آنان، کهنسال ترین آنان،

ظاهراً هیچ تأثیری در ادبیات بین المللی نداشته،

ولی با وجود این نباید آنها را نادیده انگاشت. از این قبیل است: تاریخ نویسی، یک نوع کهن دیگر یعنی « دیالک » (۱) که برای بیان مباحثات فلسفی بکار میرفته در دوره جدید نیز پیروان افلاطون و دیگران آنها بکار برده اند و نوع دیگر «مقالات» (۲) میباشد که مونتینی آنها مانند یکنوع ادبی تازه معمول کرد.

در این دو مثال آخر تحقیق در قالب و نوعی که برای بیان افکار انتخاب شد، بسیار جالب است: افکار مشترکی که بوسیله « دیالک » « مقالات » « رسالات حکمی » (۳) شب نامه و یا خطابه بیان شده در روح شنونده تأثیرات مختلفی داشته است و اگر بخواهیم از این تأثیر اختلاف انواع با سهل انگاری بگذریم بدان میماند که گوشت ادبیات را از بین برده اسکلتی از آن بجای بگذاریم.

« سیاحت های خارق العاده » (۴) نوع خاصی است که از قرن هفده بعد اهمیت بسیار پیدا کرد و از « سیرانود و برژراک » (۵) به « سویتف » و ولتر رسید. همچنین نوول که مبتکر آن بوکچیو ایتالیایی بود و پس از او در تمام جهان بسط یافت و امروزه بصورت داستان کوتاه مهمترین نوع ادبی بشمار میرود و مقام سابق رمان را بدست آورده است.

نوع دیگر « افسانه های خیالی » (۷) است و در این مورد است که در چهاره تأثیر قصه های هوفمان و نیز در باره منابع و موفقیت های ادکاربو تحقیقات بسیاری شده است.

-
- ۱ - Dialogue ۲ - Essais ۳ - Traité didactique
 ۴ - Voyages extraordinaires ۵ - Cyrano de Bergerac
 ۶ - Swift (نویسنده سیاحت های گولور) ۷ - C. fantastiques

نوعی که بیشتر از انواع دیگر نزد معاصرین مورد توجه واقع شده، در عین حال نامحدود مانده است «رمان» میباشد محققین ادبیات تطبیقی درباره تاثیر کتاب «هلوئیز جدید» (۱) اثر ژان ژاک روسو و «ورتر» اثر گوته در سایر رمان نویسان مطالعات بسیار کرده اند نوع «رمان بصورت نامه» (۲) نیز تقریباً دوشادوش رمان بوجود آمده و در تکمیل آن بسیار مؤثر افتاده است.

در مقابل این انواع «رمان رئالیست» باتمام تازگی ها و تنوعش خود نمایی میکند که در دو قرن اخیر بهترین نوع نثر محسوب میشود.

دیگر از اقسام رمان «رمان ترسناک» (۳) یا رمان سیاه میباشد که با کالخیهای کهنه، سردابها، اشباح و قهرمانان اسرار آمیزش مدت ها خواستاران بسیار پیدا کرده بود.

دامنه رمان بسیار وسیع و دارای اقسام مختلف است که برخی از قدیم باقی مانده و پاره ای نیز جدیداً ایجاد شده است از این قبیل است رمان تاریخی، رمان فلسفی، رمان روانشناسی و رمان «آداب و عادات» (۴)

اشکال شعری که اغلب از قدیم بجای مانده بقرایح

انواع شعر

جدید انواع تازه تری را الهام کرده است.

شعر وصفی (۵) در یونان و روم حماسی بوده و

حماسه سرایان قرن شانزده تا هیجده اروپا این نوع را از «هومر» و «ویرژیل» اقتباس کردند مضمون گاهی نیز این حماسه سرایان از یکدیگر تقلید میکردند «بیت المقدس آزاد شده» (۶) اثر «تاس» (۷) در تمام کشورهای اروپا از مجاویستان تا پرتغال و سوئد مورد توجه و اقتباس واقع شد و همچنین منظومه قهرمانی «آریوست» شاعر بزرگ و حماسه بی نظیر «کمدی خدای» (۸) دانته در ادبیات عصر خود و قرون بعد تأثیرات بسیار داشته است.

منظومه هایی که منظور از آن تعلیم و انتشار مطالب علمی و پند و اندرز بوده (۹) از قرن هفده و هیجده مورد توجه بسیار شد و در همین دوره انواع شعری دیگری نیز معمول بوده، مانند اشعار هجوی، فابل، و غیره.

-
- | | |
|-----------------------|-----------------------|
| ۱- Nouvelle Héloïse | ۲- R. par lettre |
| ۳- R. Terrifiant | ۴- R. de mœurs |
| ۵- Narrative | |
| ۶- Jérusalem délivrée | ۷- Tasse |
| ۸- Divine Comédie | ۹- Poèmes didactiques |

همچنین یکنوع شعری جدید در طی قرن نوزده دوشادوش «فاوست» ترگوته بوجود آمد که تأثیرات بیست المللی داشت «مانفرد» (۱) اثر بایرون (پرومته آزاد شده) اثر (شلی) منظومه هائی هستند که گرچه لاهر آصورت درام را دارند ولی بمنظور آوردن روی صحنه نوشته نشده اند. و این نوع است که خواستها و سرگشتگی های انسان دنیای جدید در برابر موز طبیعت، سر نوشت، عشق و خوشبختی مجسم میشود. همین نوع است که یرکانه مورد اقتباس رمانتیکها واقع شده و با تغییراتی در آن توانسته اند بیات ثروتمند دوره رمانتسم را بوجود آورند.

انواع تأثر طی سه قرن بیش از انواع دیگر
انواع تأثر دگرگونی پیدا کرده است (تراژدی کلاسیک)
 مدت سه قرن بر روی بیشتر صحنه های اروپا فرما نروائی
 اشد درباره کرنی وراسین و تأثیر آنها در انگلستان و نیز رابطه و لئو و
 تر انگلیس مطالعاتی شده همچنین درباره تراژدی فرانسه در ایتالیا،
 یستان و غیره. و البته این نوع در کشور های مختلف و در تحت تأثیر فکر
 محیط آنجا تغییراتی پیدا کرده قدمی از تراژدی مقید بسوی «درام
 زاد» (۲) برداشته است و این انتقال از مطالعه کمدی اسپانیول (از لوب
 و وگا (۳) تا کالدرون (۴) و شاهکارهای شکسپیر آشکار میشود.

۱- Manfred

۲- در این زمان برای تراژدی مقرراتی وجود داشت که سر پیچی
 آنها جایز نبود. مثلاً نمایشنامه تراژدی معمولاً بایک مرک پایان مییافت
 شخصیت های نمایشنامه از طبقه نجبا و اشراف انتخاب میشدند و از همه مهم
 مراعات «وحدت های سه گانه» بود. و وحدت های سه گانه که نخستین
 ارسطو در کتاب «فن شعر» از آنها یاد کرد عبارت بود از:
 الف: وحدت مکان: یعنی درام باید در همان مقدار از مکان که برای
 وقوع آن ضرورت دارد نمایش داده شود.

ب: وحدت زمان: یعنی درام باید در همان مقدار وقتی که واقعه ای در
 عالم خارج صورت میگیرد در صحنه تأثیر نمایش داده شود.

ج: وحدت عمل: یعنی درام باید دارای یکنوع کمال و جامعیتی باشد
 تا آنگونه که نتوان بی آنکه در وحدت کلی آن خللی وارد شود قسمتی از
 آنرا از میان برداشت

۳- Lop de Vega

۴- Calderon

این دو مکتب دراماتیک مشهور که تقریباً معاصر بوده‌اند بسا یک وسعت و تنوع مشابهی قریب صدسال سراسر اروپا را تحت تأثیر قرار دادند. در باره اصل تأثر اسپانیول و دوره طلایی آن همچنین در باره تأثیر آن در فرانسه و انگلستان و آلمان و نیز در باره تأثیر شکسپیر در سایر کشور ها از چند نظر تحقیقاتی بعمل آمده است از نظر موضوعات، شخصیت ها احساسات حتی سبک وسیع و تروتمند این نابغه بزرگ که مورد اقتباس تأثر نویسان دیگر قرار گرفته است.

دو شاخه تراژدی و درام و کمدی انواع دیگری نیز سابقاً وجود داشته که پس از یک دوره درخشش رو بخاموشی رفته‌اند: در قرن هفدهم (تراژدی - کمدی) سپس (درام روستائی) (۱) و آنگاه (کمدی - بورژوا) (۲) که هر یک در کشور های مختلف تأثیر داشته و سرگذشتی مخصوص بخود داشته‌اند.

از همه این سرگذشتها مفصل تر و جالب تر سرگذشت بین المللی کمدی است تأثیر کمدی ایتالیائی بر تأثر اسپانیول قرن طلایی و همچنین بر کمدی فرانسه و نیز تأثیر مولیر تأثر نویس بزرگ فرانسه روی تأثر سایر ملل موضوعی است که تاکنون بسیار مورد توجه ادیبان تطبیقی واقع شده است.

مضامین، تیپ‌ها، افسانه‌ها

الف، مضامین

تحقیق در اصل مضامین (تم‌ها (۱)) و تحولات آن در ادبیات مختلف ظاهراً بسیار آسان و سطحی جلوه می‌کند و بهین علت است که گزوه بسیاری از محققین درباره تأثیرات تم در ادبیات ملل چیز نوشته‌اند ولی کار آنها ارزش علمی نداشته است.

چیزی که در شناخت تم‌ها خائز اهمیت است بیشتر توجه به فکر و هنر نویسنده است تا مواد آن — زیرا دانستن این موضوع که نویسندگان مختلفی فلان افسانه را بعنوان مضمون اصلی و فکر اولیه هنر خود اخذ کرده‌اند و یا بآن تم فلان تغییرات (۲) را داده‌اند چه نتیجه‌ای خواهد داشت؛ بلکه موضوع قابل توجه اینست که علل این تغییرات را مطالعه کرده تحقیق نمایند که چرا گاهی افکار و تمایلات بسیار نزدیک و آشنا برای تظاهر افسانه‌های مختلفی برابر می‌گزینند و یا بالعکس افکار نا آشنا و بیگانه از هم برای بیان خود افسانه مشترکی را انتخاب می‌کنند.

تظاهرات و سرگشتگی‌های انسان جدید در برابر طبیعت و سر نوشت با صدای « فاوست » در اطاق کار خود پاسخهای « مانفرد » (۳) بر روی قلل آلپ و یا مناجات عیسی (در قطعه معروف وینی) (۴) بیان میشود. بارها اتفاق افتاده است که تغییرات یک تم عوامانه و صورت‌های مختلفی که یک شخصیت بخود گرفته مورد مطالعه قرار گرفته است بی آنکه تأثیر یک نویسنده بر نویسنده دیگر بررسی شود. در صورتی که باید در موضوع استقلال فکری نویسندگان و درجه این استقلال نسبت با سلاف داخلی و خارجی

۱- در اینجا «مضمون» در ترجمه Thème آورده شده است

۲- Variations اثر یایرون Menfred

۳- Mont des Oliviers- Vigny اثر

آنها و همچنین درباره سهم نبوغ و هنر و آرمان هنر نویسنده در طرزى كه تم اصلی را نمایش داده است تحقیق شود .

مثلا در مورد اختلاف بین نمایشنامه «سید» (۱) در اسپانیا و فرانسه اگر کسی اختلافات بین اثر «گیون دو کاسترو» (۲) و کرنی را بادر نظر گرفتن اختلاف بینش دو نویسنده و تغییراتی که کرنی در این تراژدی به پیروی از مقتضیات زمان خود داده است مطالعه کند این کار حقیقتاً یک تحقیق مفید و قابل توجه در ادبیات تطبیقی است .

برخی از دانشمندان معتقدند که نباید تحقیق در باره تم های عوامانه ترانه ها ، مثل ها ، اعتقادات و افسانه های روستائی را در ادبیات تطبیقی وارد کرد زیرا این کار « فولکلور » است نه کار تاریخ ادبیات اما باید دانست تا آنجا این تم ها وارد ادبیات تطبیقی میشوند که در ایجاد آثار ادبی موثر واقع شده اند زیرا در اثر این گونه تحقیقات است که پی میبریم چگونه يك نویسنده افسانه یا ترانه ای را اقتباس کرده و همانطور دست نخورده در اثر خود آورده و یا چیزی هم از روح و نبوغ خود بان بخشیده است و هنگامیکه این اقتباس و تازگی های آنها از نزدیک درباره يك افسانه مطالعه میکنیم شاعر و هنر او را بهتر خواهیم شناخت . همچنین این کار ما را در شناسائی اطلاعات عمومی و ذوق آن نویسنده یا شاعر یاری کرده و ما را به هدف نهائی خود که ادبیات جهانی باشد نزدیک میکند .

مثالی میآوریم : همه کودکان ایرانی « در شهر ها و روستاها » این ترانه را زمزمه میکنند :

- » منم منم بلبل سرگشته
- » از کوه و کمر برگشته
- » پدر نامرد مرا گشته
- » مادر نابکار مرا خورده
- » خواهر دلسوز
- » استخوانهای مرا با هفت کلاب شسته
- » زیر درخت گل چال کرده
- » منم شدم به بلبل
- » پر ... پر ... پر ... ! <

و چقدر متمجب میشویم که همین ترانه خودمانی را از زبان گوته در

تجایشنامه « فاوست » می‌شنویم و يك تحقيق دقيق تر نشان می‌دهد که در زبانهای آلمانی، ایرلندی، فرانسوی، انگلیسی عین ترانه بالا موجود است (رجوع شود بکتاب برادران گریم). و اگر باز هم در مطالعه خود پیش برویم بافسانه‌ای از میتولوژی یونان میرسیم که مطابق آن: « چون دختر Zethos می‌خواست بچه‌های Niobé را بکشد زن Amphion اشتباهاً دختر خود را کشت و از کرده پشیمان شد و سپس خدایان آن دختر را بصورت بلبل در آوردند » (۱)

مطالعه این ترانه در ادبیات و فولکلور ملل گوناگون و دیگر گونیهای که توده مردم، و یا نویسندگان هر کشوری در پیروی از آداب و اندیشه‌ها و سنن خود بیان داده‌اند موضوع جالبی از لحاظ ادبیات تطبیقی بشمار میرود و نیز چنین تحقیقی از نظر آثار گوناگون و منابعی که مورد استفاده او بوده است بسیار ارزش دارد.

در شناسایی تم‌ها موضوعی که بیش از هر چیز بفولکلور بستگی دارد شناختن افسانه‌ها و امثال هستند که ریشه آنها در تار و پکی قرون گذشته، سیر آنها از ملتی بملتی دیگر نامعلوم است؛ از این قبیل است:

داستان مردی که ماهی‌اش را گم کرده بود، افسانه انگشتی که بوسیله آن میتوان نامرئی شد (انگشت حضرت سلیمان)، نزاع بین پدر و پسر که یکدیگر را نمیشناسند (رستم و سهراب)، دهقانی که در تخت خواب شاهزاده‌ای از خواب بیدار میشود، دختری که با قاتل پدرش ازدواج میکند (سید اثر کرنی)، بازگشت شوهری که همه گمان میبردند مرده است و زن او شوهر دیگری کرده است، ماجرای شاهزاده‌ای که بدنبال دختری که در خیال عاشقش شده سرگردان است (افسانه‌های ملی بیشتر ملل)، انگشت شومی که برای صاحبش بدبختی می‌آورد و...

اینها تم‌هایی است که هر يك نویسندگان بسیاری را از ملل مختلف تحت تأثیر قرار داده است.

بارها نیز مکانی را که شاعر، نویسنده دراماتیک یا رمان نویس شخصیت‌های افسانه‌ای خود را در آن قرار میدهند مطالعه کرده‌اند و این مکانها تاریخچه‌هایی دارد: ونیز، رم، یونان، گوهستان، دریا، بیابان، جهنم و...

درباره بعضی کلها: گل سرخ، ذنبق، گل یخ
درباره برخی از جانوران: گربه، سگ، گاو وحشی، بلبل، زنبور
عسل و... از لحاظ ادبیات تطبیقی میتوان مطالعاتی کرد مثلا درباره بلبل
میتوان از اشعاری که او الهام کننده آنها بوده اختلافات و تحولات
احساساتی که از شنیدن آواز او در شعرای مختلف ایجاد شده و مباحثی
از این قبیل سخن گفت.

ب (تیپها

تیپهایی را که در ادبیات با آنها برمیخوریم میتوان بدو دسته بزرگ
تقسیم کرد: تیپهای عمومی بشری و تیپهای خیالی و افسانه‌ای.
در مورد دسته اول محقق سعی میکند دریابد که چگونه نویسندگان
مختلف بدون دخالت دادن احساسات و تمایلات شخصی خویش توانسته‌اند
بعضی از طبقات اجتماعی را نقاشی کنند. بدین ترتیب تیپهای ملی یا نژادی
ایرانی، فرانسوی، یهودی، سیاه‌پوست... پشه‌های گوناگون: معلم،
کشیش، طبیب، دوا فروش، سرباز، کارمند دولت، دهقان و... موقعیت‌های
اجتماعی یا اخلاقی: دختر پیر، ولگرد، نقص‌ها یا غیوب اخلاقی: کور،
قمار باز، خسیس (۱)، قاتل و... را مورد مطالعه قرار میدهند.
دسته دوم تیپهای خیالی و افسانه‌ای هستند و این تیپها گاه بقایای
داستانهای قدیمی میباشند که تغییر شکل داده‌اند و گاهی نیز بوسیله تخیلات
مردم خلق شده‌اند — دسته دوم از تیپها را معمولاً به گروه میتوان
تقسیم کرد:

- ۱ - شخصیتهایی که از راه کتابهای مذهبی وارد ادبیات شده‌اند و
در دست نویسندگان دیگر گونیهایی پیدا کرده‌اند مانند: قایل، یوسف و...
- ۲ - شخصیت‌های افسانه‌ای که بیشتر منبع یونانی دارند و از میتو
لوژی یونان و روم اخذ شده‌اند: ایفی ژنی، پرومته، ژوپیتر و بسیاری دیگر.
- ۳ - شخصیتهایی که زائیده تاریخ و افسانه‌های ملی هستند مانند رستم،
دکتر فوستوس و...

باین نمونه‌های تخیلی و شاعرانه میتوان چند شخصیت تاریخی افزود.
از دوران باستان اشخاصی چون اسکندر، کلوپاترو و... در ادبیات

-
- ۱ - مثلا در مورد تیپ خبیث مقایسه‌ای بین شخصیت «گرانده»
(در آثار بالزاک) و هارباگون (در آثار مولیر) و تحقیق در اختلافات آن
و جستجوی علت این اختلاف بسیار جالب توجه است.

وارد شده اند (رجوع کنید باسکندر نامه های گوناگونی که در زبان فارسی هست) . قرون وسطی نیز گروه بسیاری از شخصیت های تاریخی برای نویسندگان ایجاد کرده که با تغییراتی موضوع آثار مهم شده اند مانند : شوالیه های میز گرد (۱) شارلمانی و نوه او رلان (۲)، ژاندارك، ماری استوارت و ...

ج (افسانه ها

جالب ترین موضوع در نظریك محقق ادبیات تطبیقی بحث در افسانه ها و شخصیت های افسانه ای است. گروهی از محققین درباره تغییراتی که افسانه ها در دست نویسندگان مختلف میابد تحقیق کرده اند و چنین تحقیقاتی بما اجازه میدهد که گذشته از خصائل اخلاقی و هنری نویسنده از تغییرات و تحولات ذوقی جوامع مختلف و آرمان های مردمی که این آثار برای آنها نوشته شده نیز آگاه شویم . هیچ چیز جالب تر از این نیست که سیر تاریخی يك افسانه زیارا در گذشت قرون دنبال کرده اشکال و دگرگونی های آنرا بررسی کنیم و دریابیم که چگونه نویسندگان مختلف آن افسانه را تکمیل کرده و آنرا به پیروی از رویا و تخیلات ، در تحت تأثیر بینش خویش آراسته اند بطوری که آن نمه اصلی و ضعیف نخستین اندك اندك تر و تنیده شده و به هارمونی عظیمی تبدیل یافته است .

اغلب افسانه هایی که تا کنون درباره آنها تحقیق شده در اصل مأخوذ از ثورات و یا سایر کتب مقدس بوده اند . در این مورد داستان قاییل از لحاظ تعداد منظومه هایی که بعنوان قهرمان اصلی « اولین قاتل » را انتخاب کرده اند بسیار جالب توجه است . حتی در قرن نوزدهم در بعضی از منظومه ها از قاییل بعنوان سبیل قیام برضد آفریننده استفاده شده است . « قاییل » اثر بایرون و « قاییل » اثر لکنت دولیل (۳) و نیز « قاییل » اثر هوگو مشهورترین منظومه هایی هستند که از این قیام تلخ و انقلابی سخن میرانند .

بخش دیگری از افسانه ها که وارد ادبیات شده اند از میتولوژی یونان گرفته شده اند . افسانه هایی چون پرومته (۴) اتریپ (۵) ایفی ژنی (۶) آنتی گون (۷) منبع الهامی برای تراژدی نویس ها بوده اند و بسیاری

-
- ۱- Chevaliers de la table Ronde ۲- Roland
 ۳- Le conte de Lisele ۴- Prométhée
 ۵- Oedipe ۶- Iphigénie ۷- Antigone

دیگر از این افسانه‌ها شعرای بزرگی را از هومر تا شعرای معاصر بخود جلب کرده‌اند. در ادبیات جدید اروپا و یا بهتر بگوئیم دنیا، این افسانه‌های یونانی نقش بزرگی دارند و نامهایی چون اورفه، آنتی‌گون و مانند آن بگوش بسیار آشنا هستند خصوصاً نویسندگانی چون: ژان ژیرودو، ژان پل سارتر، ژان آنوی و دیگران صورتهای جدیدی از این افسانه‌ها را در آثار خود آورده‌اند (۱). در میان این شخصیت‌های افسانه‌ای پرومته از همه جالبتر است. این «دزد آتش» این دوستدار عالم بشریت که مورد خشم زئوس (خدای خدایان) قرار گرفته بعنوان سمبلی در آثار گوته و شلی و بالاخره آندره ژید خود نمائی میکند و مانند شیطان و قایل، پرومته نیز عصیان فکر را نشان میدهد. این مطالعه نشان میدهد که همان سمبل اصلی (عصیان) در قالب سه نام مختلف: (شیطان، قایل، پرومته) پدیدار میشود.

نباید گمان کرد که این افسانه‌ها تنها ادبیات چند
 مسلمان کشور اروپائی را تحت تأثیر قرار داده بلکه از راه
 و اقبال ادبیات جدید اروپا در سراسر دنیا نفوذ کرده و
 از طرف نویسندگان مختلف پذیرفته شده است و
 این نیز گفتنی است که چنین تأثیراتی سابقه‌ای کهن دارند و با مطالعات
 دقیق در ادبیات تطبیقی بخوبی میتوان آنها را نشان داد و از این راه
 بتحقیق در تاریخ ادبیات کشورها و آثار نویسندگان کمک کرد. بعنوان
 مثال میگوئیم که يك نظر به سلمان و اقبال جامی نشان میدهد که منبع
 آن از میتولوژی یونان است.

خلاصه داستان چنین است که: «اقبال با وجود اختلاف سن که در
 حدود بیست سال بزرگتر بوده عاشق طفل شیرخوار خود سلمان میشود
 و او را بجاذوئی میفریبد، این معنی نزد شاه و حکیم ناپسند میافتد و حکیم
 بوسیله قوه مغناطیس سلمان را مجبور میکند که در بهشت زمینی آنجا که
 با اقبال نوجوان فرار کرده بوده توده عظیم از هیزم فراهم سازد و هر دو
 عاشق و معشوق خود را عرضه حریق قرار دهند در نتیجه اقبال خاکستر
 میشود ولی سلمان بی آنکه آسیبی بدورسد تندروست بیرون میآید در
 حالتی که از تمام شهوات و هوسهای جسمانی پاک شده است»

۶- رجوع کنید به مقاله نگارنده تحت عنوان «اساطیر» در مجله جهان‌نو
 (سال سوم شماره نهم)

اشخاص حکایت عبارت میباشند از پادشاه یونان و مرد حکیم و پسر پادشاه موسوم به سلامان و دایه آن پسر که اِبال نام دارد و زهره (ونوس) که جمال آسمانی را مجسم میسازد.

تحقیقاتی که شده نشان میدهد که جامی این افسانه را از دوشرحی که امام فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی بر اشارات ابن سینا نوشته اند گرفته و اصل آن از یونانی عبری ترجمه شده بوده است (۱) تطبیق اصل یونانی این افسانه با منابعی که جامی در دست داشته و سپس مقایسه آنها با سلامان و اِبال یک کار حقیقی و مثبت در ادبیات تطبیقی بشمار میرود و نکات بسیاری را درباره معلومات جامی و نفوذ ادبیات یونانی در سخن فارسی روشن میکند.

☆☆☆

گاهی برخی از افسانه ها و شخصیت های افسانه ای که در بالا از آنان یاد کردیم یک صفت سمبولیک بخود میگیرند.

از این قبیل است داستان «تريستان و ایزولت» (۲)
تريستان که افسانه زیبایی است از قرون وسطی - تريستان
و ایزولت جوان حساس و پاکدلی است که بعد از مرگ خویشانش در نزد عموی خود، پادشاه ناحیه ای از انگلستان بزرگ شده است. تريستان مأمور میشود برای آوردن شاهزاده خانم ایزولت، زن تازه عروس عمویش، بایرلند برود. در بازگشت از ایرلند تريستان و ایزولت اشتباهاً از شرابی که اکسیر عشق بوده است مینوشند و دلباخته یکدیگر میشوند. این دو از بیم پادشاه در جنگلی پنهان میشوند اما فرستادگان پادشاه تريستان را میکشند و ایزولت هنگامی میرسد که تريستان جان سپرده است.

این افسانه که شاید بتوان آنرا با رومئو و ژولیت، لیلی و مجنون، ویس و رامین مقایسه کرد طی چند قرن برای گویندگان و آهنگ سازان منبع الهامی بشمار رفته و بقالب های گوناگونی در آمده است ولی همواره بعنوان سبیل عشاقی بکار رفته که یک سرنوشت اسرار انگیز آنها را بهم نزدیک کرده، از عشق چیزی جز رنج نمیشناسند تا اینکه در یک لحظه دردناک از عشق و زندگی راحت میشوند.

۱- رجوع کنید به: تاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد برلون (جلد سوم ترجمه آقای حکمت) و کتاب «جامی» تألیف آقای حکمت

۲- Tristan et Iseult

از میان کلیه افسانه‌هایی که با جنبه سمبلیک خود ادبیات جهان را تحت تأثیر قرار داده است دو افسانه «فاوست» و «دون ژوان» بیشتر نظر محققین را بخود جلب کرده است.

داستان فاوست از سال ۱۸۴۴ موضوع تحقیقات

فاوست

بود و از آن هنگام تا کنون هنوز این موضوع کهنه نشده است. هسته اصلی تحقیقات هبارت از اینست که چگونه «دکتر فوستوس» کیمیاگر، جادوگر و شارلاتان معروف که حقیقتاً در قرن شانزدهم در ناحیه «ساکس» میزیسته برای نخستین بار جلب نظر خیمه شب‌بازان را کرده است و سپس این مرد، کسیکه روح خود را باهریمن فروخته تا با سرار نهان پی ببرد. بچه نحوی قهرمان شاهکارهای نویسندگانی چون کریستوفر مارلو، گوته، گراب (۱) لنو (۲) و بالاخره توماس مان و دیگران قرار گرفته است و هر یک از این نویسندگان چگونه آنرا بازگو کرده‌اند.

افسانه دون ژوان از سال ۱۸۸۷ موضوع یک رشته

دون ژوان

تحقیقاتی شده و هدف این مطالعات آنست که چگونه سرگذشت یک نجیب‌زاده اهل «سیویل» (از شهرهای اسپانی) که فاسد الاخلاق نیش می‌بود و حتی وجود او هم انکار شده توانسته است از راه کیدی اسپانیول بمولیر برسد و از راه این نویسنده در بایرون، موسه، الکساندر دوما و دیگران، بهمان نام یا نامهای دیگر تأثیر کند و حتی در قرن اخیر نیز در دست نویسندگان بزرگی از قبیل برنارد شاو و دیگران بصورت‌های تازه‌تری جلوه کند (۳) ولی محقق نباید تنها به تهیه فهرست کتابهایی که بنام دون ژوان نوشته شده اکتفا کند، او باید در ادبیات ملل بگردد و قهرمانانی را که صفات خاص، روش و برجسته‌دون ژوان را دارند بجوید آنوقت بر او آشکار خواهد شد که دون ژوان، این عاشق عیاش و بی‌بیم، این کسیکه در جستجوی یک آرمان محال و یافت نشدنی سرگردان است گروه بسیاری از نویسندگان و شعران و نمایشنامه نویسان را بطور مستقیم و یا غیر مستقیم تحت تأثیر قرار داده است.

۱- Grabbe

۲- Lenau

۳- رجوع کنید با کت سوم از نمایشنامه «مرد و زبیر مرد» اثر

جرج برنارد شاو.

« افکار و احساسات »

ادبیات ملل تنها از لحاظ مواد در یکدیگر تأثیر نمیکنند بلکه طرق فکر و احساس نیز نقش مهمی در این میان دارد. این افکار و احساسات که تحت تأثیر نویسندگان خارجی بسط یافته و تظاهر ادبی پیدا میکنند بسیار جالب توجه هستند در ادبیات تطبیقی هیچ بحثی با اندازه این قسمت درهم و پیچیده نیست زیرا آن چیزی که حقیقتاً ادبیات ملل را متحد میکند و چیزی که برخی از نویسندگان يك ملت را با نویسندگان خارجی بطور عجیبی خویشاوند مینماید همین شباهت بین بینش و طرز تفکر آنهاست درباره دنیا انسان، زندگی و عقاید آنها در باره هنر. همچنین، احساسات آنان در برابر زیباییها، طبیعت و مرگ.

مادر این مرحله به قلمرو حقیقی ادبیات گام میگذاریم، بجایی که ارواح با یکدیگر ارتباط دارند و فن نویسندگی و الفاظ در این میان تنها وسیله ای برای بیان افکار بشمار میرود. ولی برخلاف مباحث دیگر در این باره هنوز تحقیقات صحیح و مفصلی صورت نگرفته است. گرچه هنگامیکه درباره رابطه میان دو نویسنده تحقیق کرده اند درباره روابط فکری آنها نیز مطالعاتی شده ولی معمولاً این جستجو بسیار ناقص و ناچیز بوده است زیرا بسیار اتفاق میافتد که يك نویسنده افکار خود را از چند نویسنده و منابع گوناگون خارجی کسب نموده و یا اینکه يك فکر بوسیله آثار نویسندگان مختلفی بیان شده است ما در اینجا از افکاری که نویسندگان بسیاری راحت تحت تأثیر قرار داده سخن خواهیم گفت و مرتباً از اندیشه ها و احساساتی که ادبیات و بسط تظاهر آنهاست یعنی از افکار مذهبی، فلسفی اخلاقی و افکاری که با ادبیات رابطه مستقیم دارند یعنی از اصول زیباشناسی، روشهای نویسندگی و در پایان از احساسات یاد خواهیم کرد.

دشواری ایجاد و تشخیص رابطه میان تاریخ ادبیات و تاریخ افکار بخوبی آشکار است چه هر يك از آن ها قلمرو وسیعی در اختیار دارند که خاص آنهاست و الی بازم مناطق بین بینی وجود دارد که هر دو آنها در آنجا بطور تساوی مشترکند ، در تاریخ فکریک ملت به موضوعات و کتابهای بر میخوریم که با اینکه در وهله اول نه بتاریخ فلسفه مربوط می شوند و نه بتاریخ مذاهب و یا عقاید اجتماعی سروکار دارند معینا در حقیقت بیا همه آنها مرتبطند و در عین حال متعلق بتاریخ ادبیات نیز میباشند زیرا قسمت اعظم موفقیت این افکار مدیون طرز بیان و تظاهر ادبی آنها بوده است از این قبیل اند ولتر ، روسو ، منتسکیو و ...

برخی از نویسندگان در آثار خود از افکار مذهبی دفاع کرده باعث حراج آنها شده اند از جمله این مردان میتوان در فرانسه از کالون ، پاسکال بوسوئه ، فنلون و شاتو بریان نام برد که اغلب آنها در خارج از مرزهای فرانسه نیز تأثیرات عظیم کرده اند (مثلا فنلن بر عرفا و ولتر بر الهیون)

بخش عظیمی از افکار فلسفی رابطه ای با تاریخ ادبیات ندارند زیرا هر چند که آنها نیز از کشوری بکشور دیگر انتقال می یابند ولی این انتقال در محیط خاص و محدودی انجام میگیرد چه خواستاران این افکار متفکرین معدودی هستند که بینش و طرز فکر آنها با افکار عامه خیلی سخت قابل تطبیق میباشد . شکل نوشته های آنان بیشتر از یک رساله فیزیک یا زمین شناسی و مانند آن ، حائز اهمیت نیست — تنها عده انگشت شماری از فلاسفه چون شوپنهاور ، برگسون و نیچه توانسته اند با سبک خاص نویسندگی خود در انتشار عقایدشان بیشتر موفق شوند .

بدین ترتیب برای کسی که در ادبیات تطبیقی کار میکند و مورخ فلسفی نیست این تأثیرات در درجه دوم اهمیت قرار دارند و او تنها از آن نظر در آنها تحقیق میکند که گاهی این افکار چون تکیه گاه و مبداء حرکتی برای بیان افکار اجتماعی بکار رفته اند . بدینسان ، دکارت بواسطه نقش اروپائی فکر « کارتزین » ، اسپینوزا با اهمیتی که مشرب وحدت وجودی او پیدا کرده و لایب نیتز با نظریات خاص و خوش بینی خود که ملهم آثار بسیاری چون « نکاندید » (اثر ولتر) و غیره شده است قابل مطالعه هستند — در باره منابع خارجی نوشته های فلسفی اشخاصی چون ولتر ، روسو ، گوته و شیللر تحقیقات بسیار شده است .

افکار اخلاقی

مقصود از افکار اخلاقی اندیشه‌هایی است که در پیروی از اصول اخلاقی درباره طبیعت و سرنوشت انسان بحث کرده در اعمال او قضاوت می‌کنند و راه زندگی را بدو نشان می‌دهند. افکار اخلاقی بهتر از افکار فلسفی می‌توانند بستگی خود را بادیات حفظ کنند. این افکار بآسانی قابل درک بوده و دارای هدف هستند و تنها بآن اکتفا نمی‌کنند. که تم‌هایی مبهم برای مباحثه متخصصین بدهند بلکه میکوشند تا معمای زندگی را حل کنند و ببا آرمان و راه آینده را نشان دهند و بر روی این افکار است که امیدها و یا ناامیدی‌های ما بنا میشود. بهمان نسبتی که در قرون جدید، استقلال فکری فرد تثبیت شده، بهمان نسبتی که افکار اخلاقی مترقی، گروه بیشماری را راهنما شده است تا در خارج از کلیسا و عقاید آن، افکار نسبتاً صحیح و قابل قبولی پدید آورند، بهمان نسبت نیز افکار اخلاقی جای مهمتری را در ادبیات احرار کرده‌اند.

تأثیرات متقابل ملل گوناگون در این مورد بخوبی مشهود است ولی این مباحث بیشتر به تاریخ عمومی افکار مربوط میشود. مثلاً هنگامی که تحت تأثیر این افکار از قوانین میزبانی، یا از وظیفه گرفتن انتقام‌پذیر (هاملت، آندره کرنلی اثر پول بورژ) و از اطاعت وجدان (پولیکت) سخن بیان می‌آید خیلی کم و ندرتاً تأثیرات ادبی مستقیم در آنها دیده میشود. و در این گونه موارد کار محقق ادبیات تطبیق بطلان مسیر افکار منحصر می‌شود.

هنگامیکه هاملت با عجم اطمینان بجهان دیگر از «بودن یا نبودن» بحث می‌کند و از بیمی که بدبختان را از انتحار باز میدارد سخن می‌گوید (۱) هنگامیکه در «نول هلوئیز» میلو و دادوار (۲) سن پرو (۳) را از خود کشی باز می‌دارد و هنگامی که د کتر فوست خسته و ناامید از علم و زندگی، در لحظه آشامیدن جام زهر ناگهان از شنیدن صدای ناقوسهای عید فصیح شوق زندگی را در خود حس می‌کند، يك همبستگی عجیب فکری نظر محقق ادبیات تطبیقی را جلب می‌کند.

اشعار فلسفی و اخلاقی می‌توانند مستقیماً عقاید شاعر را درباره مسائل

۱- رجوع کنید به «هاملت» اثر شکسپیر (آگست سوم صحنه اول)

۲ و ۳- St. Preux, Milord Edouard دو نفر از قهرمانان

کتاب روسو

اخلاقی بیان کنند رلی باید جستجو کرد و دریافت این مسائل اخلاقی چگونه در ذهن شاعر راه یافته؟ آیا قبل از او نیز دیگران درباره این مسائل سخن گفته اند؟ (مثلاً درباره اشعار سعدی می توان چنین تحقیقی نمود) - همچنین گاهی نیز شخصیت هائی با اخلاق خاص بوجود آمده اند و نویسندگان گوناگونی در آثار خود آنها را نقاشی کرده اند. از این قبیل است: صفات پرنس نجیب زاده و غیره در طی قرن شانزدهم و هفدهم (از کتاب «امیر» اثر ماکیلول تا «قهرمان» اثر گراسیان (۱)).

و یا رسالات اخلاقی بوکلیو و پترارک که بزبان لاتینی تالیف شده در سراسر مغرب زمین از قرن ۱۵ تا اواخر قرن ۱۶ مکرر خوانده شده و مورد تقلید و اقتباس قرار گرفته است. خصوصاً پترارک رهبر اخلاقی بزرگی بشمار میرود که بلافاصله پس از پایان قرون وسطی رهبری انسان عهد رنسانس را بعهده گرفته وی را یاری میکند تا اخلاق را از مذهب جدا کنند «مقالات» مونتنی مخصوصاً در انگلستان مکتبی ایجاد کرد و «بورتون» (۲) و «توماس براون» (۳) شاگردان مسلم او بشمار میروند اخلاقیون بزرگ قرن ۱۷ فرانسه بر شوپنهاور و خصوصاً نیچه (که آنقدر بآنان اهمیت میداد) تاثیر کرده اند، افکار اخلاقی ژان ژاک روسو در سراسر مغرب زمین منعکس شد و در آلمان یش از جاهای دیگر آنرا تحسین کردند. این روسوی پیامبر، این روسوی آزاده که بقول شیلر «از مسیحیان آدم بوجود می آورد» به پشروان تازه کار و جوان رمانتیک (۱۷۶۵-۱۷۹۵) آرمان اخلاقی را تقدیم داشت: آزادی، طبیعت، هیجان و عشق، تمام اینها میباحثی بود که شعر و تأثیر و رمان را لبریز کرد و نویسندگان جوان آلمانی را مجذوب ساخت. در قرن بعد نیز افکار اخلاقی و تربیتی روسو در آثار تولستوی منعکس شد. نیچه نیز در افکار اخلاقی انقلابی ایجاد کرد. برای اینکه تنها تاثیر او را در فرانسه یاد آور شویم باید مطالعه کنیم که «انجیل جدید» او چه موفقیت عجیبی میان ساله های ۱۸۹۲-۱۹۱۰ کسب کرد و تحقیقات جامعی که در این باره صورت گرفته بخوبی نشان میدهد که چگونه «قاید اخلاقی» نویسنده ی «چنین گفت زرتشت» با اشتیاقی فراوان در فرانسه استقبال شد و منبع گروهی عظیم از رمان نویسان شد و این نویسندگان با پدید آوردن قهرمانان توی که پیرو اندیشه های نیچه بودند، نظریات این فیلسوف شاعر را چاودان ساختند.

بهر آنست که اصول زیباشناسی و خصوصاً نویسنده‌گی
و شاعری را هنگامیکه از مظاهر زیبایی و تأثیر آن
در شعر و تأثیر بحث میکنند کنار بگذاریم. ولی بمباحث
و زیباشناسی

دیگری در مطالعه این اصول بر میخوریم که بادیات
تطبیقی مربوط میشود از دوره رنسانس، ادبیات (که بمنزله يك هنر محسوب
یشد) مجدداً موضوع مباحثات فنی قرار گرفت و از آن هنگام رفت و آمدی
بین تئوری‌های ادبی در کشور های مهم اروپا در گرفت. این نهضت از ایتالیا
آغاز شد و در قرن ۱۶ تئورسین های تأثیر فراوانند و سپس در قرن
هفدهم کلاسیسیسم فرانسه است که مورد توجه قرار گرفت و گفته‌های بو آلو
که اصول زیباشناسی کلاسیسم را تشکیل میداد در ایتالیا، هلند و انگلستان
تفوذ کرده این اصول مهم بر اسر دوره کلاسیسیسم و در تمام اروپا فرمانروایی
داشت و همه نویسندگان و شعرا را تحت تأثیر قرار دارد. برای اینکه از مهم
ترین مشخصات کلاسیسیسم یاد کرده باشیم میگوئیم که در این سبک:

- ۱ - منظور نویسندگان تحقیق در فرد کلی است که نماینده کامل
نوع بشر باشد و بموضوعات خصوصی و شخصی توجه نمیکردند.
- ۲ - دامنه لغات محدود است و نویسندگان از بکار بردن لغات عامیانه
خود داری میکنند.

۳ - چون ادبیات مخصوص اشراف است در قلمرو خود موضوع «بست»
نمیپذیرد و تأثیر موضوعهای «عالی» از قبیل سرگذشت پهلوانان، سلاطین
و... را نشان میدهند.

۴ - موضوعات جدی و جاودانی هستند، نویسندگان روی زتدگی
حقیقی چیزی نمی نویسند قهرمان اساساً نماینده يك دسته است و صفات این
قهرمانان تمایلاتی عمومی و افسراطی است از قبیل خست، خود پسندی،
وفا و...

۵ - روی هر فته موضوعات تقلید خنك و بیقدری است. ادبیات
یونان و لاتین.

از دوره رمانتیسم (در اوائل قرن نوزدهم) تأثیرات زیادتر میشوند و این بار
آلمان و انگلستان جای دیرین فرانسه را میگیرند و با اصول ادبی جدید خود ادبیات
را تحت تأثیر قرار میدهند. تأثیرات نخستین مکتب رمانتیک آلمان بر قائمین
«رمانتیک دانمارک و سوئد، تأثیر اشلکل بر تئوریهای «مقدمه گرومول» اثر
ویکتور هوگو از نقطه نظر ادبیات تطبیقی بسیار جالب توجهند. خصائص برجسته
«رمانتیسم» که ادبیات قرن نوزدهم را دگرگون کرد عبارتست از:

۱ - دامنه لغات برخلاف کلاسیسم وسیع میشود و گفتگو ها و اصطلاحات عامیانه وارد آثار نویسندگان میشود .

۲ - محدودیت موضوع از میان میرود مثلاً ویکتور هوگو از ماجرای هابیل و قایل ، از زندگی کرمول ، از سبک معماری کلیسای نتردام ، از اصول سوسیالیسم و نیز در رثاء دخترش چیزی مینویسد .

۳ - بموضوعات تاریخی توجه میشود و احساسات و شور و هیجان مقام مهمی را در آثار ادبی بدست میآورند .

۴ - نویسندگان پتوصیف طبیعت و احساسات و عواطف انسانی می پردازند و گاهی نیز تخیلات شاعرانه را بر حقیقت برتری میدهند .

۵ - دیگر کسی پای بند فنون ادبی نیست هر نویسنده و شاعری مستقلاً روش نویسنده گی خود را انتخاب میکند .

از اواخر قرن نوزدهم موضوع تأثیرات پیچیدگی بیشتر پیدا میکند زیرا تشویرهای زیباشناسی و نویسنده گی و شاعری کمتر مورد توجه قرار میگيرد نویسندگان آنچه که دلشان میخواهد میگویند و بهر شکلی که مایل هستند چیز مینویسند ، دیگر اصول کلی آنها را مقید نمیکند و در این مرحله تأثیرات منحصر میشود به تأثیر نویسندگان در یکدیگر .

هرچند که گروه عظیمی از نویسندگان این دوره را میتوان پیرو «رئالیسم» دانست ولی نمیتوان آنها را با پیروان کلاسیسم و رمانتیسم مقایسه کرد و تنها چیزی که این نویسندگان را یکدیگر نزدیک میکند سریچی از اصول قدیم و توصیف زندگی عادی مردم است . آثار ایشان آینه ای است که جامعه را در خود منعکس میکند . بنا بر این همانگونه که اشاره کردیم کار محقق ادبیات تطبیقی در این مرحله بدشواری میکشد زیرا هر نویسنده ای برای خود اصول خاصی در نویسنده گی و زیباشناسی دارد که از منابع مختلف که آثار نویسندگان معروف و یا گمنام باشد بدست آورده است .

بدیهی است در باره سمبولیسم ، ناتورالیسم ، سوررئالیسم و جز آن نیز سخن بسیار میتوان گفت ولی چون مقصود ما نشان دادن انواع تأثیر اصول ادبی در نویسندگان است بهمین چند مثال اکتفا میکنیم .

«احساسات»

بخش مهمی از احساسات که در ادبیات تطبیقی از آنها بحث میشود و شاید ادبی ترین آنها بیان احساساتی است که نویسنده در خود می یابد و یاد قره رمان های خود ایجاد میکند و گاهی آنقدر این طرز بیان تازه و بدیع است که

مورد توجه بسیار واقع میشود و آشنایان با تجربیات و مشاهدات خواننده تطبیق کرده آشنائی دارد که در نظر حقیقت جلوه میکند.

برخورد این دو صفت آثار بزرگ و قطعات چندایی را بوجود میآورد عده ای میگویند: اگر وظیفه ادبیات بیان احساسات است چگونه میتوان در آن از استمرار و سنن و تأثیرات یک نویسنده بردیگری سخن گفت در حالیکه احساسات موضوعی کاملاً فردی و خصوصی است؟

در مورد افکار میتوان از استمرار و سنن و غیره سخن گفت زیرا تمام اذهان آنها را یکنوع درک میکند و مردمان کشورهای مختلف میتوانند در قبول آنها توافق حاصل کنند ولی برعکس احساسات در محیط اسرار آمیزی که روح هر یک از ما ایجاد کرده مجبوس و مقید میماند این احساسات با شرایط زمانی و مکانی و اخلاقی مختلف تغییر میکنند و حتی لحظه ای را هم نمیتوان یافت که دو انسان یکنوع بیانندیشند یکنوع آرزو کنند و یکنوع تاسف بخورند»

در جواب باید گفت:

سخن شما کاملاً صحیح است ولی این مطلب نیز درست است که طرز بیان احساسات بسیار به سنن و تقلیدهای ادبی که در مورد افکار از آنان سخن گفتیم مدیون است. و دلیل آنرا در روان شناسی و جامعه شناسی باید جستجو کرد. سنن اخلاقی و اجتماعی و آداب فامیل، کلان، کاست، احساساتی تولید میکنند که کم و بیش یکنوع ادراک میشوند، از این قبیل است: انتقام، مهمان نوازی، ترحم، احساسات خانوادگی احساسات مربوط به شرافت و وطن،

بدین ترتیب در درون هر گروه اجتماعی و نژادی مجموعه احساساتی بوجود میآید که در طی قرون بسیار کم تغییر شکل میدهند و ادبیات بخوبی از عهده تشریح آنها برمیآید.

اگر آداب و قوانینی که به «اورست» فرمان میدهند تا مادرش را با انتقام خون پدر بقتل برساند، اگر خونبهای قرون وسطی، و نندتا (کرس) هاراگیری (ژاپونی) و یاعادنی که بعضی از اهالی پولینزی در تقدیم زنان و دختران خود به بیگانگان تازه وارد دارند، خارج از تمدن امروزی جهان واقع است در مقابل احساساتی هستند که اصل و پایه زندگانی اخلاقی بشمار می روند مانند افتخار خانوادگی، افتخار میهن، جوانمردی، وفاداری به سوگند....

برخی از احساسات و خصوصاً آنهایی که به عشق مربوط میشوند بسیار

تغییر میکنند و در پیروی از ملل و کاست‌ها خیلی زود دگرگون میشوند و تأثر و رمان خیلی خوب این دگرگونیها را آشکار میسازند .
شاعر و رمان نویس معمولاً طرز بیانی و اقتباس میکند که معمول روز است .

گاهی آواز سرایندگان دوره گرد (۱) را میشنویم (قرون وسطی)
یکبار با شعرائی چون رنسا که دوستدار یک زیبایی ایده آلی هستند روبرو میشویم (قرن شانزدهم) و گاهی در طی صفحات رمانها با رد و بدل بوسه های عاشقانه آمیخته با اشک ، منظره های اندوه آور گورها و چشمانی که بسوی ستارگان است بر میخوریم و این بار در عقب سر ریچاردسن ، روسو . گوته شاگردان بسیار پدیدار میشوند . و گاهی هم در پی بایرون و موسه با عشق های شوم و احساساتی و با عاشقی که قلب پاره پاره را پیشگاه معشوق میبرد و از درد ایام مینالد برخوردار میکنیم .

بواسطه تأثیرات بین المللی است که ادبیات استعداد ها و آداب مختلف اجتماعی و اخلاقی را یکی پس از دیگری ارزش می بخشد و اجتماع و احساسات قرون مختلف را در لباس های شوالیه (قرون وسطی) مرد درباری (قرن ۱۶) مرد نجیب (قرن ۱۷) مرد احساساتی (قرن ۱۸) و جنگلن (قرن ۱۹) مجسم میکند . این تیپ ها در تمام کشور ها مورد تقلید قرار گرفتند و نقش مهمی را در ادبیات بین المللی بازی کردند .

سنن ادبی در قلمروهای دیگر نیز احساساتی را بوجود آوردند مثلاً احساس مرگ و خصوصاً هیجاناتی که از دیدن گورستانها در شاعر ویا در شخصیت های رمان او بوجود میآید . و با احساسات مختلف طبیعت که ادبیات را لبریز کرده است .

در باره احساسات مختلف و تاریخچه تحولات آن بسیار کم مطالعه شده در صورتیکه اگر فقط در باره احساساتی که ادبیات در اروپا ایجاد کرده تحقیق کنند به نتایج درخشان خواهند رسید مثلاً تحقیقی در باره ترجمه محکومین و محرومین در آثار تولستوی و داستایووسکی ویا تازه گنی های عشق ، در آثار جدید و موضوعاتی از این قبیل ما را بتایج رضایت بخشی راهبری خواهد کرد .

منابع آثار ادبی

ادبیات تطبیقی از بدویدایش خود همواره در پی یافتن منابع یک نویسنده، یک کتاب، یک جمله معروف بوده و گامیابیهای بسیاری نیز در پیراه بدست آورده است.

در جهتجوی منابع نکته جالب توجه آنستکه نباید گمان کرد همواره مآخذ و منابع یک نویسنده متون کتبی نویسندگان دیگر است بلکه بسیاری از تحقیقات و یا تجربیات روزانه میتوانند در زندگی و اندیشه و بالتیجه در آثار یک نویسنده تأثیر داشته باشند: یک سفر، یک دوستی، یک مطالعه کوتاه چیزهایی هستند که نمیتوان از تأثیر آنها در پیدایش آثار ادبی چشم پوشید. آیا در میان منابع گوته میتوان از سفر او بایتالیا صرفنظر کرد؟ و همچنین تأثیر عظیمی را که سفرهای آلمان و آمریکا در مادم استال و شاتوبریان داشته است نادیده گرفت؟

خصوصاً بعد از رمانتسیم سفرها و خاطرات از منابع عمده آثار ادبی بشمار میروند ایتالیا و یونان برای بایرون، مشرق برای پیرلوتی و ارنست رنان، قفقاز برای پوشکین و لرمونتوف. اینها منابعی هستند که شناسایی آنها برای درک آثار این نویسندگان کمال اهمیت را دارد. مطالعات یک نویسنده، اطلاعاتی که او از ادبیات ملل دیگر دارد مارا در شناسایی منابع کمک میکند و بسیاری از مسائل لازم را درباره آثار یک نویسنده روشن مینماید مثلاً دانستن این موضوع که آلفونس دوده آثار دیکنس را مطالعه نکرده است چقدر برای مطالعه در آثار آلفونس دوده مهم است. باید برای «منابع شفاهی» نیز اهمیت زیاد قائل شد. خصوصاً هنگامی که این موضوعات مصالعی برای ایجاد آثار مهم بوده است: یک قصه شنید شده، یک گفتگوی ساده و خودمانی، گاهی اصل و مآخذ یک صفحه و یک جلد و گاهی مجموعه آثار یک نویسنده است. ترانه های

روستائی و وحشی، سنن ملی و خانوادگی، و افسانه های کودکان منبع گروه عظیمی از آثار تخیلی هستند ولی افسوس که تحقیق در این منابع شفاهی که غالباً در تازیکی هستند و سرچشمه آنها در گذشت قرون ناپدید شده است بسیار دشوار میباشد.

اما درباره « منابع کتبی »، بعلم آسانی تحقیق، مطالعات بسیار شده است. نباید گمان کرد که همواره فلان متن بطور کامل منبع آن اثر دیگر بشمار میآید و یا منبع اصلی فلان رمان آن رمان خارجی است. ممکنست ترکیب این دو کتاب صحنه های آنها، شخصیت های قهرمانان کاملاً با هم متفاوت باشند ولی اندیشه اصلی، طرز استدلال و نتایج آن دو با هم، همبستگی های نزدیک داشته باشند. همه میدانند که ابتکار و ابداع چقدر در ادبیات کم است و ما در مطالعه تم ها باین نتیجه رسیدیم که کار عمده بیشتر نویسندگان فقط تازگی بخشیدن و دگرگون ساختن تم ها و مضامین قدیمی است. هنر این نویسندگان تنها در این است که توانسته اند چیزی را نیز از روح و قلب خود و محیطی که در آن زندگی میکرده اند باین تمهای اقتباسی بیافزایند. بسیار تحقیق کرده و دریافته اند که شکسپیر و مولیر موضوع نمایشنامه های خود را از کجا پیدا کرده اند؛ همچنین درباره منابع ایتالیایی و شرقی لافوتتن و منابع انگلیسی ولتر مطالعات زیاد بعمل آمده است. برای نمونه از مآخذ فابل های لافوتتن یاد میکنم:

لافوتتن خود در مقدمه ای که بر « فابل ها » نوشته شرح زندگانی « ازپ » (۱) را نقل کرده و اقرار میکند که زیاد بآثار این مرد توجه داشته است و نیز در اثر تحقیقاتی که صورت گرفته ثابت شده که لافوتتن بافسانه های بوکاجیو ایتالیایی نیز بسیار مدیون است و از آثار « بوکاجیو » نیز برمیآید که وی قسمتی از داستان های خود را از افسانه های شرقی گرفته است.

اما این نیز گفتنی است که شبیه بعضی از افسانه های لافوتتن در کتاب کلیله و دمنه و بامرزبان نامه دیده میشود. هر چند که بعضی از این افسانه ها در میان بیشتر ملل وجود داشته و مآخذ هند و اروپائی دارد ولی این نیز یقین است که کتاب کلیله و دمنه این المقفع یکی از منابع لافوتتن بوده است. ماجرای دست یافتن لافوتتن بر این کتاب چنین است که: کلیله و دمنه را در

۱- Esop (بی مناسبت نیست گفته شود که لقمان حکیم که شخصی افسانه ای و میان مسلمین گوینده برخی از این داستانها شناخته شده همان ازوپ یونانی است.)

اوایل قرن سیزدهم میلادی در اروپا یکنفر یهودی بنام «جوئل» (۱) از
عبری به عبری ترجمه کرد و سپس میان سالهای ۱۲۶۳ و ۱۲۷۸ میلادی
«جان» از مردم «کاپو» (۲) در ایتالیا که از مذهب یهود بآئین کاتولیک
گرویده بود این ترجمه را بزبان لاتینی برگرداند و همین ترجمه بزبان
لاتینی است که در قرن هفدهم بدست لافونتن و فلوریان (فابل نویس فرانسوی)
رسید و از آن داستانهای را که خواستند برداشتند.

برای درک این منابع باید آنها را طبقه بندی کرد و ارزش هر یک
از آنها را تعیین نمود و صور گوناگون این منابع و تأثیر آنها را تشخیص
داد زیرا آنها از این راه است که میتوان از نفوذ آثار یک نویسنده بر معاصرين
و مقلدين او آگاه شد. این تأثیرات ملی و فردی گاهی یکدیگر نزدیک
شده، مجتمع میشوند و در این هنگام است که تأثیرات عظیم جهانی پدیدار
میکرد و انعکاس و تأثیر ادبیات یک ملت بر ادبیات ملت دیگر بخوبی و
روشنی احساس میشود.

برخی از نویسندگان بیشتر از نقطه نظر شخصیت اخلاقی و روحی
خود و یا به علت قیافه حقیقی یا افسانه ای خود (چنانکه از آثارشان برمی آید)
در دیگران تأثیر کرده اند. تأثیر عظیم ژان ژاک روسو بر دیگران
به علت علاقمندی و حسن ظنی بود که دیگران با فکر او داشتند: علاقمندی
که از صداقت وی، عشقش بانسانیت و فصاحت هیجان آور او سرچشمه
میکرفت. آثار بایرون از نقطه نظر روح و حالت و لحن تاریک و اندوه آور
و یا تلخ و تسمخر آمیزی که در آن دیده میشد به نسل بعد خوش آمد.
آرامش با شکوه گوته، روح نقاد دولتر، حساسیت دیکنس، ذوق
تیره و ظلمانی بودلر، دلسوزی و شفقت داستایوسکی و ادراک متین والری
خصوصی هستند که مستقل از مطالب مندرج در آثار این نویسندگان تأثیری
عظیم بر خوانندگان خود داشته در پیشرفت و تکوین ادبیات اروپائی
مؤثر بوده اند.

✓ آثار برخی از نویسندگان از لحاظ «فنی» بعنوان منبع بسیاری از
آثار ادبی شمار رفته اند: گرنی وراسین به علت شکل و سبک تراژدی هایشان،
والتراسکات بعنوان پدر رمان تاریخی و امیل زولا بعنوان پیشوای ناتورالیسم
از نقطه نظر راههای نوی که در فعالیت های ادبی باز کرده اند اهمیت
خاصی دارند و آثار آنها از لحاظ فنی و بعنوان نمونه، منبع بسیاری از

آثار دیگر بوده است. شاگردانی که از آثار يك نویسنده بزرگ بعنوان منبع اصلی استفاده میکنند ممکنست معاصر استاد باشند (چنانکه این مطلب درباره کرنی، والتر اسکات و زولا صدق میکند) و یا چند قرن با استاد فاصله داشته باشند. بسیاری از نویسندگان نیز چنانکه گفتیم بوسیله افکار و عقاید خود بر نویسندگان دیگر (داخلی یا بیگانه) تاثیر کرده اند: ماکیاوول و منتسکیو (در سیاست)، ولتر و روسو (در فلسفه اخلاق)، بوآلوولسینگ (در زیباشناسی و نقد آثار ادبی) از لحاظ فکر منبع الهامی برای نویسندگان دیگر بوده اند.

آثار بعضی از نویسندگان نیز بعلت يك هنر خاص منبع الهام دیگران بشمار رفت و آن هنر، ایجاد قوالب تازه و پدید آوردن مناظر، صحنها، رنگهای محلی (۱) و محیطهای نوی بود که پیش از آنها مورد توجه واقع نشده بود. پیشوایان رمانتسم با اولین آثار خود توانستند یکباره رنگ و حالت ادبیات را دگرگون کنند و بجای خشکی و منطقهای خسته کننده و قواعد غیر قابل تغییر کلاسیکها، مقام نخست را در آثار خود با احساسات و تغییرات روحی بشر بدهند و بطلالعه نفسانیات، به تشریح «من» پردازند. بایرون و پس از او پیرلوتی اروپائیان را وارد يك شرق اسرار انگیز کردند و خاور را با تمام جدا بیشتش، با تمام زیباییها و عشقش بباختر شناساندند و تنها به نقاشی مناظر و ظواهر اکتفا نکردند بلکه از افکار دردها و امیدهای شرقیان نیز سخن گفتند. دیکنس و آلفونس دوده در آثار خود زند گیهای تاریك، رنجها و خواستهای روستا نشینان و مستخدمین ادارات را مجسم کردند و خوانندگان را با زشتیها و بدبختیهاییکه تا آن زمان پنهان مانده بود آشنا نمودند - امیل زولا يك دنیای خشن، يك دنیای بیرحم را که در آن سرنوشت انسانها در بورسها تعیین میشود و پول داران قدرت را در دست دارند نقاشی کرد و در آثار خود از دنیائی که غرائز انسان وحشی آنها را اداره میکند یاد کرد.

برخی از نویسندگان بزرگ در عین حال از چند نقطه نظر بر دیگران تاثیر کرده اند مثلاً آثار شکسپیر هم از لحاظ شکل هنری و هم از لحاظ روشهای تازه روانشناسی که در نگارش آنان بکار رفته بود منبع بسیاری از آثار دیگر گردید. همچنین است درباره گوته و بایرون و مخصوصاً ژان ژاک روسو که در عین حال برای رمانتیکها پیشرويك مکتب ادبی (کتاب نوول

هلوئیز) برای علمای تعلیم و تربیت يك استاد بزرگ (کتاب امیل) و برای
انقلابیون يك قانونگذار (کتاب قرارداد اجتماعی) زبردست بوده است .
هر تحقیق عمومی درباره منابع و تاثیرات يك نویسنده بر دیگران
باید تمام این تارهای نازک را که آثار ادبی جهان را بهم پیوند داده بیابد
و با دقت مطالعه کند زیرا تنها از این راه است که میتوان در شناسائی
حقیقی آثار ادبی موفق شد (۱)

۱- برای اطلاع از تحقیقاتی که تا کنون درباره یافتن منابع آثار
نویسندگان بزرگ شده رجوع کنید بصفحات (۸۲ تا ۹۴) کتاب ادبیات
تطبیقی اثر: M . F . Guyard

«تأثیرات» در ادبیات معاصر

و پیدایش

ادبیات عمومی

گفتیم که ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از تاریخ ادبیات است که: روابط فکری بین المللی و تأثیرات و الهامات را مطالعه میکند در ادبیات قدیم و حتی در ادبیات سه قرن اخیر نیز این تأثیرات نسبتاً ناچیز بودند. سال‌ها طول میکشید تا يك کتاب از کشوری بکشور دیگر رود، بدست نویسنده‌ای بیافتد، باو خوش آید و ویرا تحت تأثیر قراردهد. آگاهیهای نویسندگان و شعرا از زندگی و مردم و تمدن کشورهای بیگانه بسیار سطحی و ناقص بود و بندرت اتفاق میافتاد که کسی رنج سفر بر خود هموار کند و بسرزمینهای دور دست سری بزند. مردم وسیله‌فرا گرفتن درست و دقیق زبان خود را نداشتند تا چهره‌ها را باینکه با زبانهای بیگانه آشنائی داشته باشند. اما با همه اینها، بعلمی که سابقاً از آنها یاد کردیم، میان ادبیات ملل تأثیراتی وجود داشت.

قرن بیستم این «تأثیرات» را رونق بخشید و ادبیات معاصر ملل، از بعضی جنبه‌ها، چنان درهم آمیخته‌اند که باز شناختن آنها دشوار است. علل این پدیده را میتوان چنین خلاصه کرد: ترقی صنعت و توسعه ارتباطات بین المللی و نیز دگرگونی‌هایی که در اوضاع اجتماعی و اقتصادی پدید آمد ملل را یکدیگر نزدیک کرد. مردم کشورها زبان یکدیگر را فهمیدند، نسبت بزندگی و اندیشه‌ها و سرنوشت یکدیگر علاقمند شدند، با هم

رفت و آمد کردند و در نتیجه ادبیات نیز يك جنبه عمومی و «جهان وطنی» (۱) بخود گرفت.

وسایل حمل و نقل سریع مطبوعات را در دسترس همه مردم دنیا گذارد و ستونهای انتقاد ادبی روزنامه های کثیر الانتشار که در سراسر دنیا خوانندگان بیشمار دارند در معرفی آثار نقش مهمی بازی کرد - جوایز ادبی بین المللی ایجاد شدند (جایزه نوبل) - بشگاههای ناشر کتاب در کشورهای بزرگ بانتشار آثار ادبی ممالک دیگر همت گماشتند. سینما و تأثیر این آثار را در گوشه و کنار جهان بمردم شناساندند. نتیجه این شد که در زمان ما يك نویسنده در کشور های مختلف مشهور میشود، آثارش بزبان های متعدد ترجمه و منتشر میشود و گاهی معروفیت او در کشور های بیگانه بیش از میهن خود اوست (مثلا بعضی از نویسندگان آمریکائی در فرانسه) برخی اوقات نویسنده شخصاً آثار خود را بچند زبان مینکارد و نویسندگان بیشتر موضوعاتی را در آثار خود تشریح میکنند که جنبه عمومی و بین المللی داشته باشد.

برای اینکه نمونه ای از وسعت دامنه تأثیرات را در

يك نمونه دوره جدید نشان داده باشیم تأثیرات خارجی را در رمان

نویسی فرانسه در نظر میگیریم: در اواخر قرن ۱۹

و اوایل قرن بیستم ترجمه های آثار داستایوسکی، گوگل و سایر نویسندگان روسی را مجدیدی به رمان نویسان فرانسوی نشان داد (مثلا داستایوسکی عده زیادی را که آخرین آنها ژیدوساوتر باشند تحت تأثیر قرارداد (سیس بترتیب ادبیات اسکاندیناوی) خصوصاً آثار ایسن (۲) نویسنده نروژی) لهستانی و آلمانی در فرانسه تأثیر کردند،

از میان نویسندگان آلمانی توماس مان از تاریخ اولین آثار خود

(۱۹۰۱) در فرانسه شناخته شد و رمان نویسان بسیاری از او الهام گرفتند و

رمان نویسان انگلیسی مانند کاترین مانسفیلد (۳) و کرونین (۴) و دافنه دو

موریه (۵) شهرت زیاد بدست آوردند و آنگاه نوبت به نویسندگان آمریکائی

چون همینگوی، استنباک و فولکنر رسید - چند جریان فکری نیز رمان

فرانسه را در میان دو جنگ تحت تأثیر قرارداد که عبارت بود از افکار مارکس

افکار فروید و مکتب پسیکانالیز و بالاخره مکتب اگزیستانسیالیسم که سرو

۱- Cosmopolitisme ۲- Ibsen ۳- Mansfield

۴- Cronin ۵- Daphné du Maurier

حمای زیادی بپا کرد و در حقیقت آثار رمان نویسان فرانسوی (سارتر «
کامو»...) بود که این فکر را که مدتها پیش در آلمان پدیدار شده بود
بجهان شناساند.

مثال بالا نشان میدهد که تا چه حد تأثیرات متقابل در ادبیات ملل قوت
گرفته است، دیگر از تأثیر فلان نوع ادبی یا فلان افسانه و تم سخن در میان
نیست بلکه نویسندگان معاصر چنان تحت تأثیر اوضاع بین المللی و جریانات
فکری جهانی هستند که تا اندازه زیادی جنبه ملی خود را از دست میدهند.
ارنست همینگوی از امریکا به اسپانیا میآید، دو شادوش مردم آن میچنگد
و چون کتاب «زنکها برای که بمید» در میآیند» او که در باره جنگهای
داخلی اسپانیا است منتشر میشود همه متقدین بزرگ تصدیق میکنند که هیچ
نویسنده اسپانیایی قادر نبوده چنین اثری درباره میهن خود بوجود بیاورد
اینجاست که ادبیات جنبه عمومی بخود میگیرد و ادبیات تطبیقی به پیشرفت
آن کمک میکند.

ادبیات عمومی موضوعاتی را که در ادبیات ملی کشور
ها از یکدیگر جدا شده اند بار دیگر جمع و بهم پیوسته
میکند. ادبیات عمومی بمورخ ادبی يك ملت اجازه
میدهد تا با اطلاع از وضع بین المللی ادبیات بهتر
و دقیق تر درباره يك نویسنده اظهار نظر کند. موضوعات و مباحثی که در
باره آنها میتوان از این نظر خاص تحقیق کرد بسیار است و بدسته های مختلف
تقسیم می شود. گاهی عبارت از يك تأثیر بین المللی هستند: پترار کیسم «
نیچه ایسم». گاهی يك جریان فکری یا هنری: هومان ایسم، کلاسی سیسم و...
و گاهی يك شکل مشترك هنری: تراژدی کلاسیک، رمان روستائی و...
ادبیات عمومی آنچه را که برای نویسندگان جنبه فردی دارد و از حدود يك
ادبیات خارج نمیشود بتواریخ ادبی ملی وامیگذارد و همچنین درباره روابط
بین دو نویسنده یا دو ادبیات، برخورد ها، تقلیدها و منابع (که موضوع
تحقیق ادبیات تطبیقی است) وارد نمیشود ولی در ضمن بدون آنکه قصد
جانشینی تواریخ ادبیات ملی را داشته باشد از نتایج حاصله از تواریخ ادبیات
و ادبیات تطبیقی يك عمل تألیفی انجام میدهد. ادبیات ملی هر کشور مشتق
از سبکها، انواع ادبی، افکار و احساسات گوناگون و مخصوص بخود را
مورد توجه قرار میدهد که غالب آنها خاص آن ملت است و بیگانگان را
در آن سهمی نیست ولی ادبیات عمومی سعی میکند تا با انتخاب و ارزش بخشیدن
به بعضی از همین موضوعات مواد اولیه ای فراهم آورد و با آن ادبیاتی وسیعتر

و کلی تر بنا کند.

ادبیات عمومی به برخی از نویسندگان و شعرا ارزش خاصی می بخشد که براتب از مقام و اهمیت آنان در ادبیات ملی خود بیشتر است زیرا این نویسندگان چون بر صحنه و سیعتری ظاهر شده اند قیافه های تازه ای بخود میگیرند و نبوغ آنها با درخشش بیشتری نمودار میشود. ادبیات عمومی برای ادبیات های درخشان ولی محدود و زودگذر نیز ارزشی قائل است و هیچگاه با دادن توضیحات مبهمی تحت عنوان «ادبیات دیگر» و «ادبیات مختلف» اهمیت و مقام آنها را پایمال نمیکند. در این رشته تحقیقات ما با نویسندگانی برخورد میکنیم که تحت نفوذ جریانات بین المللی قرار گرفته باین سو و آن سو کشیده میشوند. گاهی خود این نویسندگان مبداء این جریان بشمار میروند، گاه وسیله انتقال هستند و گاهی نیز این جریان با آثار ایشان پایان می پذیرد و محو میگردد.

ایجاد يك اتحاد حقیقی بین ملتها تنها با شباهت های سطحی از لحاظ آداب و رسوم و یا انتقال و سایل مادی امکان پذیر نیست و این روابط مانع از آن نخواهد بود که جنبه های خصوصی و تعصبات باقی بمانند و بقول ولتر «این اختلافات کوچک نشانه های کینه و آزرده گی باشند» تنها وسیله ای که میتواند این بهم پیوستگی حقیقی را پدید آورد و دلها را ایسکد دیگر پیوندد ادبیات عمومی، این «آواز دسته جمعی بشریت» است بدون اینکه این امر خلیلی بروح ملیت اقوام مختلف وارد آورد و یا خصائل و سنن باستانی ایشان را درهم ریزد. تحقیق دو ادبیات تطبیقی راه برای رسیدن بچنین هدفی هموار میکند.

«توضیح درباره بعض از اسامی خاص (نام
«نویسندگان، کتابها، افسانه‌ها)، که در این
«رساله آمده است بترکیب حروف تهجی»-

آریوست : (۱۵۳۳-۱۴۷۴) شاعر ایتالیایی زمان رنسانس
آنوی (ژان) : نمایشنامه‌نویس معاصر فرانسوی که نمایشنامه «آنتیگون»
او بسیار معروفست .

آنتیگون : دختر «ادیب» که چون علیرغم دستور «کرون» جسد
پدرش «بولینیک» را ب خاک سپرد محکوم بر گشته شد .

این سرگذشت را نخست «سوفوکل» بصورت نمایشنامه درآورد و پس از
او عده زیادی از نویسندگان و شعرا درباره آن چیز نوشتند .

ادیب Oedip : چون قیب‌گویان گفته بودند که ادیب سرانجام پدرش را
کشته شوی مادر خواهد شد از هنگام تولد او را در کوهستان گذاشتند و شبانی
او را پرورش داد . چون بزرگ شد اتفاقاً روزی با پدرش (که پادشاه شهر
تب بود) رویرو شد و ندانسته ویرا بکشت . آنگاه بیادشاهی شهر تب رسید و باز
ندانسته با مادر زناشویی کرد . خدایان تب از جنایات او خشمگین شدند و تب را
کرفتار طاعون ساختند . ادیب که از ماجرا آگاه شده بود چشمان خود را درآورد
و سربه‌بیابان گذارد . عده بسیاری از نویسندگان از جمله : سوفوکل، سنک (Sénèque)
کرنی و ولتر نمایشنامه‌هایی بنام ادیب نوشته‌اند .

اورست : (Orest) : پسر آگاممنون (Agamemnon) و کلی تمستر
(Clytemnestre) که به همراهی خواهرش الکترا (Electre) بغونخواهی پدر
مادر خود را کشت . اورپیید و ولتر نمایشنامه‌هایی باین اسم دارند . تم اصلی نمایشنامه
«مکسها» اثر ژان بلساوتر نیز همین سرگذشت است .

اورفه : Orphée : رب النوع موسیقی و شعر که چون در روز عروسی
ملری همسرش را کزید برآن شد که برای یافتن زنش بدنای دیگر رود . نخست
(Caron) کرجی ران مغوف را که تنها با قایق او امکان داشت بدو رخ رسید و

میس تمام نگهبانان جهنم را با ساز سحرانگیز خود افسون کرد. فرمانروای دوزخ قبول کرد زنش را باو باز دهد اما بشرطیکه پیش از رسیدن بر زمین بیشت سرش ننگرد. اورغه بیسمان خود وفا نکرد، برای آخرین بار همسرش را دید و آنگاه جان سپرد.

ایپسن : (۱۸۲۸-۱۹۰۶) نویسنده و نمایش نامه نویس معروف نووژی. نمایشنامه های او عبارتند از «مرغابی وحشی» و «خانه عروسک» و از هنر معروفتر «پرکینت» (Peergynt).

ایفی ژنی : چون یونانیان در بازگشت از جنگ تروا (Troie) گرفتار طوفان شدند، آکامنون برای خرسندی خدایان دختر خود ایفی ژنی را قربانی کرد. بنا بر روایت دیگر رب النوع، قربانی کردن آهومی را بجای دختر پذیرفت و ویرا باخود بشهر «تورید» برد. برای اینکه از مهمترین نمایشنامه هایی که بنام ایفی ژنی نوشته شده نام ببریم از آثار او ریپید، راسین، کوته یاد میکنیم. **پرومته :** Prométhé پرومته با آتشی که از آسمانها ربود تلمن را بانسان آموخت. خدای بزرگ بکنه این جرم او را در کوهستان قفقاز زندانی کرد و عقابی جگر او را آورد اما سرانجام بدست هرکول نجات یافت.

پولیکت: (Polyeucte) تراژدی اثر کرنی (۱۶۴۰)

تاس : (۱۵۹۵-۱۵۴۴) نویسنده و شاعر بزرگ ایتالیائی. اثر معروف او «بیت المقدس آزاد شده» است که در آن از جنگهای بیت المقدس و رهائی آن بدست سربازان صلیبی سخن رفته است.

سید (Cid): بنا بر نمایشنامه کرنی: «کنت Gormas با Don Diegue که فرمانروائی شهر کاستیل تعیین شده رقابت میکند و میخواهد جای او را بگیرد و از روی مصیبت باو سیلی میزند. Rodrigue پسر دون دیگه علیرغم عشق سوزانی که به Chimene دختر رقیب پدرش دارد در صدد انتقام برمیآید و کنت را در دوفلی میکشد. پادشاه به «شین» قول میدهد که رودریک را مجازات کند ولی دختر از ته قلب رودریک را دوست دارد. در این موقع رودریک بچنگ وحشیان میرود و سرانجام پس از مدتی باشین ازدواج میکند»

سیاحت های گولیور : سویت نویسنده این کتاب تصور میکند که قهرمانش «گولیور» بملت طوفان دریا در سرزمینهای خیالی و دور دست سرگردان میشود و بکشور کوتاه قدمها، سرزمین غول پیکران، جزیره دانشمندان دیوانه و جاهای دیگر میرود. جنبه انتقادی این کتاب بسیار قوی است (۱۷۲۶)

سرایندگان دوره گرد : مقصود Troubadour و Trouvere ها هستند. اینان در سراسر قرون وسطی از قصری بقصری میرفتند و اشعاری را که خود سروده بودند به همراه چنگ برای شاهزادگان میخواندند.

قایل : پسر بزرگ آدم و حوا که بر اثر حسادت بر برادر خود هابیل

برخاسته او را کشت . پس خداوند بقاییل گفت برادرت هابیل کجاست؟ گفت نمیدانم
 مگر پاسبان برادرم هستم ، گفت چه کرده ای خون برادرت اذ زمین نزد من فریاد
 بر میآورد ... تو پریشان و آواره در جهان خواهی بود ، قاییل گفت عقوبتم از
 تعلم زیاده است و خداوند بقاییل نشانی داد که هر که او را یابد ویرا نکشد «
 (سفر پیدایش ، باب چهارم)

کالدرون Calderon : شاعر اسپانیایی (۱۶۸۱-۱۶۰۰)

گراب : شاعر آلمانی (۱۸۳۶-۱۸۰۹)

گیون دو کاسترو : شاعر اسپانیایی (۱۶۳۱-۱۵۶۷) مهمترین آثار

او « جوانی سید » و « شجاعت سید » است .

گراسیان : نویسنده اسپانیایی (۱۶۵۸-۱۵۸۴)

لنو (نیکلا) : نویسنده آلمانی (۱۸۵۰-۱۸۰۲)

مانفرد Manfred : (۱۸۱۷) اثر معروف لرد بایرون (۱۸۲۴-۱۷۸۸) :

« مانفرد جادوگر زبردست در یکی از تالارهای کاخ خود در قلل آلپ ارواح :
 زمین ، اقیانوس ، آسمان ، شب ، کوهستان و نیرو روح ستاره خود را احضار میکند .
 ارواح میپرسند : « از ما چه میخواهی ؟ » مانفرد پاسخ میدهد : « فراموشی »
 اما چون ارواح غیر از مرگ (که روح و جنایات مانفرد را ابدی میکند) چیزی
 ندارند که باو هدیه کنند مانفرد آنها را لعنت میکند و از خود میراند - آنگاه
 مانفرد در مقابل آبشار عظیمی با جادوگر آلپ ها روبرو میشود . جادوگر حاضر
 میشود او را درمان کند بشرطی که از وی اطاعت کند ولی مانفرد منور این شرط
 را نپذیرد و فقط هنگامی تسلیم می شود که بار دیگر با زنی که سابقاً دوست داشته
 برخورد می کند ولی آن زن برارهای مانفرد اعتنائی نمیکند و وی را نمیبخشد . «
 معمولاً «مانفرد» را با «فاوست» اثر گوته مقایسه میکنند .

ماخذ مهم این رساله :

- 1) Bianquis (G), Histoire de la littérature Allemande
- 2) Guyard (M.F.), la littérature Comparée
- 3) Laignd (M.Th.) , la littérature Italienne
- 4) Lalou (Renè), la littérature Anglaise
- 5) Navare (ch), les grands Ecrivains Etrangers
- 6) Van Tieghem (P), la littérature comparée

فهرست

۱	مقدمه
۶	۱- انواع ادبی
۲۱	۲- مضامین ، تیپ ها ، افسانه ها
۲۶	۳- افکار و احساسات
۲۷	۴- منابع آثار ادبی
	۵- «تأثیرات» در ادبیات معاصر
۳۲	ویدایش ادبیات عمومی
۳۶	۶- چند توضیح

هزار نسخه از این کتاب بتاریخ اردیبهشت ماه هزار و سیصد و
سی و دو در چاپخانه مسعود محمد "تهران" بچاپ رسید ..